

## اسرائیل در جریان سفر بوش او را نسبت به گزینه حمله به ایران توجیه می کند

نگاهی به گزارش ساندی تایمز

محمد علی اصفهانی

[www.ghoghnoos.org](http://www.ghoghnoos.org)

جرج بوش سفر دوره یی بسیار قابل تأمل خود به خاورمیانه را آغاز کرد. سفری که پیرامون آن و نتایج آن، ناگفته ها و ابهامات، بسیار بیشتر از گفته ها و معلومات است.

یک روز پیش از آغاز سفر او، ساندی تایمز انگلستان (تایمز یکشنبه) در تازه ترین شماره ی خود به تاریخ ۶ ژانویه، گزارشی از اورشلیم درباره ی این سفر، منتشر کرده است که در سایه ی آن می توان دستکم به دو مورد زیر پی برد:

- چرا جرج بوش، قبل از سفر به منطقه، بر این نکته به صراحت و یا به اشاره تأکید کرده بود که هدفش اطمینان دادن به حاکمان کشور های منطقه در مورد همچنان خطرناک دانستن ایران به وسیله ی آمریکا، علیرغم گزارش معروف به «ان آی ئی» است. و نیز متقاعد کردن اعراب منطقه به این که آن ها به جای فکر کردن به خطر اسرائیل باید به خطر ایران فکر کنند.

- تلاش های بی وقفه ی اسرائیل و لابی های آمریکایی آن ها و عوامل ایرانیان در به هم زدن وضعیت پیش آمده بعد از انتشار «ان آی ئی» که دست دار و دسته ی بوش را در حمله ی نظامی به ایران تا حدودی بسته است. با تأکید بر کلمه ی «ایران» به

عنوان میهن ما؛ و نه «رژیم ایران»، آنطور که آن ها و این ها می خواهند وانمود کنند. حمله به ایران یعنی: ویران کردن ایران. یعنی: قتل عام نسل های کنونی مردم ایران در جریان بمباران های هوایی؛ و قتل عام نسل های آینده ی ایران بر اثر تشعشعات اتمی حاصل از بمب های اتمی «کوچک و تاکتیکی و بی خطر» آمریکا و اسرائیل و نیز خود مراکز اتمی ایران.

این که حاکمان غاصب سرزمین ما، و آرزومندان گستردن گلیم خونینی در گوشه یی از ایران ویران شده، هر دو همزمان، در دمیدن در تنور «بحران اتمی» و «بحران صدور تروریسم و بنیادگرایی» و بحران کوفت و زهر مار و غیره، مشابه یکدیگر عمل می کنند، خود بهترین دلیل بر اعتقاد راسخ این هر دو، بر بی پایگاهی مطلقشان در میان مردم ایران، و هراس این هر دو از جنبش های توده یی و مردمی است که هرچه وضعیت، نظامی تر و جنگی تر شود طبعا نخواهد توانست توانمندی های بالقوه ی خود را آنگونه که در خور است به کار گیرد: از یکسو به دلیل سرکوب شدن به بهانه ی شرایط جنگی؛ و از سوی دیگر به دلیل ورود عامل غیر طبیعی و مخربی به نام دشمن خارجی، در روند یک پیکار طبیعی و سازنده با دشمن داخلی.

اصرار حاکمان ایران بر ادامه ی غنی سازی اورانیوم، بر خلاف خواست اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران و مخالفان حمله به ایران، و اصرار کسانی که آینده ی خود را از دشمن خارجی تکدی می کنند بر آنچه دشمن خارجی در این زمینه می گوید و یا از خود می بافد، تصادفی نیست. همانطور که جنبش های ضد جنگ در ایران و جهان را تخطئه کردن.

طبعا غاصبان حاکم دوست دارند که از جنبش ضد جنگ در جهان

به نفع خود استفاده کنند. اما آیا تمایل آنان و حتی توانایی های نسبی و مختصر آنان در چنین سوء استفاده یی می تواند دلیلی باشد بر نفی این جنبش ها و یا کوتاهی در رسانیدن پیامشان به همه؟ آری اگر تمایل استفاده ی دشمن از هوا برای تنفس، دلیلی باشد بر نابود کردن اکسیژن!

آیا نقش تعیین کننده ی مخالفت جهانی با جنگ افروزی آمریکا و اسراییل را در خنثی شدن بسیاری از طرح های جنگی علیه ایران تا کنون می توان نادیده گرفت؟ و آیا در ادامه ی این مخالفت ها در سراسر جهان و به خصوص در خود ایران نیست که خطر حمله به ایران، دور تر و دور تر و ای بسا منتفی خواهد شد؟

آیا ما در یک جزیره ی پرت افتاده از همه ی جهان و یا در خلأ زندگی می کنیم که کسانی بتوانند این ادعای شیادانه را به خورد ما دهند که «ما فقط یک دشمن اصلی داریم، پس بنابر این نباید نیروها را در جهت مقابله با نیات درندگانی که از خارج این جزیره ی پرت افتاده، و در بیرون این خلأ برای تکه پاره کردن مردم و سرزمین ایران دندان تیز می کنند و شب و روز طرح و نقشه می ریزند هدر کنیم»؟

و آیا جز با یک منطق هندسی و مکانیکی، می توان در این شرایط معین با این مشخصه های معین، سخنانی از این دست را پذیرفت؟

فعالان ایرانی و خارجی جنبش صلح طلبی و منادیان خرد و کلان آن، آیا نباید کینه ی عمیق مسخ شدگانی که در بارگاه دشمن خارجی ایستاده اند و از او به تمنا می خواهند تا نظر عنایتی به چهره ی جدیدشان بیاندازد، نسبت به خود را - همچنان که هرزه

درآپی های هیستریک و تلاش های تفرقه افکنانه و دروغ و نیرنگ و فریب و دغل و اتهام پراکنی ها و برچسب زنی های این موجودات، علیه خود را - به فال نیک بگیرند؟

کار من معمولاً ترجمه نبوده است؛ اما در سه چهار سال اخیر، ضرورت شرایط پیش آمده در منطقه، مرا به سوی ترجمه کشانیده است. بنابر این، غالباً کار به مقدمه های طولانی می کشد؛ و مرزها میان مقاله و ترجمه در هم می شوند. و اصلاً چه عیبی دارد این؟

محمد علی اصفهانی

۱۷ دی ۱۳۸۶

مقامات رسمی امنیتی اسرائیل، در جریان سفر دوره یی بوش به خاورمیانه [که از ۷ ژانویه آغاز شده است] می خواهند جرج بوش را در رابطه با آخرین اطلاعات جاسوسی خود در باره ی برنامه ی هسته یی ایران - و این که چگونه می توان آن را منهدم ساخت - توجیه کنند.

گفته می شود که اهود باراک، وزیر دفاع اسرائیل، می خواهد جرج بوش را متقاعد کند که در صورت شکست راه های دیپلماتیک، حمله به منظور انهدام تأسیسات و امکانات غنی سازی اورانیوم در ایران امری عملی و امکان پذیر است. مجموعه یی از گزینه های نظامی علیه ایران، حاضر و آماده شده است.

در ماه گذشته، گزارش ۱۶ سازمان اطلاعاتی آمریکا [از جمله سیا - م] مبنی بر این که برنامه ی پنهانی ایران در زمینه ی

ساخت سلاح اتمی متوقف شده است، علنی شد. اسراییل ضمن آن که می تواند قبول کند که ایران این برنامه را در حول و حوش ایام اشغال عراق توسط آمریکا، متوقف کرده است، می گوید که «اطلاعات محکم و بی تزلزل و تردید ناپذیری» دارد که این برنامه، بعد از توقف موقت دوباره از سر گرفته شده است.

اسراییلی ها نسبت به فاش کردن تمام اطلاعات خود، از بیم درز کردن آن، که می تواند غافلگیر کنندگی هر حمله یی در آینده به ایران را به مخاطره بیاندازد، بی میل هستند، اما در عوض انتظار می رود که جزئیات دقیقی از برنامه ی غنی سازی اورانیوم در ایران را در اختیار جرج بوش قرار دهند. با این توضیح که این غنی سازی، می تواند هم در جهت اهداف غیر نظامی به کار گرفته شود، و هم در جهت گسترش توانمندی موشک هایی که قادر به حمل کلاهک اتمی هستند.

در همین پایان هفته ی اخیر [ ۶ - ۵ ژانویه - م ] جرج بوش در گفتگویی با روزنامه ی اسراییلی «یدیوت آهارانوت» اعلام کرد که باوجود گزارش اخیر سازمان های اطلاعاتی آمریکا، ایران همچنان یک خطر است:

- من این گزارش را به دقت خوانده ام. این گزارش در جوهر خودش این را بیان می کند که ایران برنامه یی پنهانی برای تهیه ی سلاح اتمی داشت. من می گویم دولتی که فاقد سیاست روشن و شفافیتی بود و برنامه ی تولید سلاح اتمی داشت، به آسانی می تواند دوباره طرحی جایگزین برای همان منظور تولید سلاح اتمی تهیه کند. بنابر این، نتیجه گیری گزارش، مبنی بر این که ایران برنامه ی اتمی خود را متوقف کرده است فقط می تواند بخشی از واقعیت را بیان کرده باشد [به گونه یی ناقص، و در

نتیجه: غلط، و در نتیجه: بی ارزش و به دور انداختنی! - مر

مقامات امنیتی اسرائیل معتقدند که تنها راه برای جلوگیری از غنی کردن اورانیوم در جهت اهداف نظامی توسط ایران، منهدم کردن تأسیسات ایران است. بسیاری از اسرائیلیان مشتاقند که بدانند آیا آمریکا برای حمله به ایران، به آن‌ها چراغ سبزی خواهد داد تا اسرائیل همچنان که در ماه سپتامبر گذشته به یک مرکز مرموز هسته‌ی در سوریه حمله کرد، به ایران نیز حمله کند یا نه.

وقتی از بوش سؤال شد که آیا او از حمله‌ی اسرائیل به ایران دفاع خواهد کرد یا دفاع نخواهد کرد، او از پاسخ صریح دادن طفره رفت:

- پیام من به همه‌ی کشور های منطقه این است که ما قادریم که مسأله را از طریق دیپلماتیک حل کنیم. اما همه‌ی گزینه‌ها روی میز است!

[www.ghoghnoos.org](http://www.ghoghnoos.org)

---

تیترا متن گزارش به زبان انگلیسی:

Israel to brief George Bush on options for Iran strike

و لینک آن:

[www.timesonline.co.uk/tol/news/world/middle\\_east/article3137521.ece](http://www.timesonline.co.uk/tol/news/world/middle_east/article3137521.ece)